

سبک‌شناسی نسخ خطی «عبدالرزاق ابن علی اصغر» ملقب به «عطار» و «شیخ عطار»

شیمای پرهیزکار، اسماعیل تاج‌بخش*

گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.

سال نوزدهم، شماره ششم، شهریور ۱۴۰۵، شماره پی در پی ۱۲۴، صص ۲۳۸-۲۱۹
<https://irandoi.ir/doi/10.irandoi.2002/bahareadab.2026.18.8280>

نشریه علمی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی

(بهار ادب سابق)

چکیده:

زمینه و هدف: دیوان اشعار «عبدالرزاق ابن علی اصغر» ملقب به «عطار» و «شیخ عطار» از جمله نسخه‌های خطی دوران قاجار است که با وجود ارزش نسخه‌شناسی و ادبی تا کنون هیچگونه تصحیح و پژوهشی روی آن صورت نگرفته‌است. بر اساس اطلاعات موجود در فهرست فنخا و شواهد درون‌متنی دیوان، شاعر، معاصر مظفرالدین شاه قاجار است. هدف این پژوهش معرفی دو نسخه موجود از دیوان شاعر و بررسی ویژگیهای اشعار وی با رویکردی سبک‌شناسانه است. همچنین این مقاله میکوشد تأثیرپذیری شاعر از شعرای پیش از خود و نوآوریهای ادبی-زبانی وی را واکاوی کند.

روش‌شناسی: این پژوهش به روش کتابخانه‌ای و با رویکرد توصیفی-تحلیلی انجام شده‌است. همچنین متن دیوان بر اساس نسخه موجود در کتابخانه مجلس شورای اسلامی به عنوان نسخه اساس و نسخه موجود در کتابخانه دانشگاه تهران به عنوان نسخه بدل، به روش التقاطی و با رعایت اصول تصحیح انتقادی، تصحیح شده‌است.

یافته‌ها: یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد، شیوه غالب سرایش شاعر در چهارچوب سبک عراقی قرار می‌گیرد؛ با این حال مؤلفه‌هایی از سبک خراسانی، سبک هندی و مکتب وقوع در لایه‌های زبانی، فکری و ادبی شاعر وجود دارد. اصلیت‌ترین آرایه‌های موجود در دیوان، ساختارهای مبتنی بر تشبیه، تلمیح و واج‌آرایی است که نوآوریهای ادبی-زبانی شاعر را نمایان می‌سازد. همچنین تأثیرپذیری شاعر از حافظ و سعدی و بهره‌گیری وی از عناصر ادبیات عامیانه از ویژگیهای برجسته دیوان به‌شمار می‌رود.

نتیجه‌گیری: برآیند این پژوهش نشان می‌دهد، دیوان عبدالرزاق ابن علی اصغر، افزون بر ارزش نسخه‌شناسی، از دیدگاه سبک‌شناسی نیز شایسته توجه است. زبان شعری او درصد بالایی از آرایه‌هایی بدیعی و بیانی را شامل می‌شود؛ با این همه کاملاً روان و دور از پیچیدگیهای لفظی و معنایی است. بنمایه اصلی اشعار؛ عشق و توصیف حالات عاشق و معشوق است. عبدالرزاق شاعری شیعه مذهب است و در سرتاسر دیوان، ارادت خویش به چهارده معصوم به ویژه حضرت علی علیه‌السلام را ابراز کرده‌است. در شعرهای وی مضمونهای عرفانی و صوفیانه نیز وجود دارد. او در قالبهایی مانند: قصیده، غزل، رباعی و ... شعر سروده‌است.

تاریخ دریافت: ۱۴ فروردین ۱۴۰۵
تاریخ داوری: ۱۷ اردیبهشت ۱۴۰۵
تاریخ اصلاح: ۰۲ خرداد ۱۴۰۵
تاریخ پذیرش: ۱۴ تیر ۱۴۰۵

کلمات کلیدی:

عبدالرزاق ابن علی اصغر، عطار، شیخ عطار، نسخه خطی، سبک‌شناسی

* نویسنده مسئول:
e.tajbakhsh@stu.ac.ir
(۹۸ ۲۱) ☎



ORIGINAL RESEARCH ARTICLE

A Stylistic Analysis of the Manuscripts of the *Divan* of Abd al-Razzaq ibn Ali Asghar, Known as “Attar” and “Sheikh Attar”

Shima Parhizkar, Esmail Tajbakhsh*

Department of Persian Language and Literature, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran.

ARTICLE INFO

Article History:

Received: 03 April 2026

Reviewed: 07 May 2026

Revised: 23 May 2026

Accepted: 05 July 2026

KEYWORDS

Abd al-Razzaq ibn Ali Asghar; Attar
; Sheikh Attar; Manuscript;
Stylistics

*Corresponding Author

✉ e.tajbakhsh@atu.ac.ir

☎ (+98)

ABSTRACT

BACKGROUND AND OBJECTIVES: The *Divan* of Abd al-Razzaq ibn Ali Asghar, known by the pen names “Attar” and “Sheikh Attar,” is one of the poetic manuscripts of the Qajar period that, despite its codicological and literary significance, has not yet been critically edited or systematically studied. According to the information recorded in the National Union Catalogue of Iranian Manuscripts (Fankha) and the internal evidence of the *Divan*, the poet was a contemporary of Mozaffar al-Din Shah Qajar. This study aims to introduce the two extant manuscripts of the poet’s *Divan* and to examine the stylistic characteristics of his poetry. It also investigates the poet’s indebtedness to earlier Persian poets as well as his literary and linguistic innovations.

METHODOLOGY: This research was conducted through library-based investigation using a descriptive-analytical approach. The text of the *Divan* was critically edited according to the eclectic method, with the manuscript preserved in the Library of the Islamic Consultative Assembly serving as the base manuscript and the manuscript preserved in the University of Tehran Library as the secondary witness, while adhering to the principles of critical textual editing.

FINDINGS: The findings indicate that the dominant style of the poet’s works belongs to the Iraqi School. Nevertheless, linguistic, literary, and intellectual features associated with the Khorasani School, the Indian School, and the *Maktab-e Voqū’* (School of Voqū’) are also evident throughout the *Divan*. The most prominent rhetorical devices are simile-based structures, allusion, and alliteration, all of which reflect the poet’s literary and linguistic creativity. Furthermore, the influence of Hafez and Sa’di, together with the incorporation of elements of Persian folk literature, constitutes one of the distinctive features of the *Divan*.

CONCLUSION: The findings demonstrate that the *Divan* of Abd al-Razzaq ibn Ali Asghar deserves scholarly attention not only for its codicological value but also for its stylistic significance. His poetic language is distinguished by the extensive use of rhetorical and figurative devices while remaining fluent and free from excessive verbal and semantic complexity. Love and the depiction of the emotional states of the lover and the beloved constitute the central themes of his poetry. As a Twelver Shi’i poet, he consistently expresses his devotion to the Fourteen Infallibles, particularly Imam Ali (peace be upon him), throughout the *Divan*. Mystical and Sufi themes are likewise evident in his poetry. His poems are composed in a variety of classical Persian poetic forms, including the *qasida*, *ghazal*, *rubā’ī*, and other verse forms.

<https://irandoi.ir/doi/10.irandoi.2002/bahareadab.2026.18.8280>

NUMBER OF REFERENCES	NUMBER OF TABLES	NUMBER OF FIGURES
 9	 0	 0

مقدمه

نسخ خطی ادبیات هر سرزمین، گنجینه ارزشمندی است که شناسایی، تصحیح و تحلیل هر یک می‌تواند در بررسی زبان، ادبیات و فرهنگ روزگار پدید آمدن آثار بسیار سودمند باشد. در حقیقت تصحیح و احیای میراث ارزشمند فرهنگ و ادب فارسی نهضتی در ادبیات محسوب می‌شود که در نوع خود خدمتی سترگ در جهت حفظ و پویایی این ادبیات فراموش‌شده در پستوی حجره‌های کهن علوم دینی و کتابخانه‌ها است (قادری، ۱۴۰۴). همچنین از منظر تاریخ ادبیات، دوران حکومت قاجار از زوایای مختلف ادبی قابل بحث و بررسی است. این دوره به علت تحولات سیاسی و اجتماعی خاص از نظر فرهنگی نیز حائز اهمیت است؛ لذا ضرورت دارد نسخه‌های خطی عصر قاجار به منظور شناسایی این دوره تاریخی و پژوهش در ابعاد مختلف آن، تصحیح شود و مورد نقد و ارزیابی قرار گیرند. (حاجی‌قاسملو، ۱۳۹۹).

پژوهش حاضر در پی پاسخگویی به این پرسش است که ویژگیهای نسخه‌شناسی در نسخ خطی دیوان عبدالرزاق ابن علی اصغر کدام است؟ همچنین ویژگیهای سبکی دیوان در سطوح زبانی، فکری و ادبی چیست؟ و در انتها، شاعر از چه سبکها و شاعرانی تأثیر پذیرفته و نوآوریهای او در چه زمینه‌هایی نمود یافته‌است؟

شیوه پژوهش

این پژوهش به روش کتابخانه‌ای و با رویکرد توصیفی-تحلیلی انجام شده‌است. همچنین متن دیوان بر اساس نسخه موجود در کتابخانه مجلس شورای اسلامی به عنوان نسخه اساس و نسخه موجود در کتابخانه دانشگاه تهران به عنوان نسخه بدل، به روش التقاطی و با رعایت اصول تصحیح انتقادی تصحیح شده‌است.

ضرورت پژوهش

با وجود اهمیت نسخه‌های خطی در بازسازی تاریخ زبان و ادبیات فارسی، بسیاری از آثار منظوم و منثور ادب فارسی به صورت نسخ خطی باقی مانده‌اند و تصحیح و تحقیقی روی آنها صورت نگرفته‌است. دیوان شعر عبدالرزاق ابن علی اصغر نیز از همین دست آثار است؛ بنا بر این معرفی نسخ موجود از دیوان شاعر، به همراه بررسی ویژگیهای سبک‌شناسانه اشعار، سبب می‌شود؛ افزون بر شناساندن یکی از شاعران کمتر شناخته‌شده دوران قاجار، شناخت دقیق‌تری از جریانهای شعری این دوره حاصل گردد.

پیشینه پژوهش

با توجه به اینکه منبع این مقاله نسخ خطی اشعار شاعر است؛ تا به امروز هیچگونه تصحیح و تحقیقی بر روی این اثر انجام نشده‌است.

معرفی شاعر

درباره زندگی عبدالرزاق ابن علی اصغر اطلاعات اندکی وجود دارد؛ از این رو شناسایی هویت شاعر و بازسازی اطلاعات مربوط به زندگی وی بر پایه منابع کتابخانه‌ای و شواهد درون‌متنی انجام می‌شود. در این پژوهش؛ نام، لقب و دوره تاریخی زندگی شاعر از سایت فنخا استخراج شده‌است. همچنین در راستای شناسایی شاعر منابع مرجع شامل: منابع لغوی و واژه‌نامه‌ای، دانشنامه‌ها، فرهنگها و تذکره‌ها، منابع جغرافیایی، ادبی و محلی و منابع مختلف تاریخ ادبیات بررسی شده‌است. جست‌وجو در منابع یاد شده نشان داد که اطلاعات مستقلى در رابطه با زندگی و آثار شاعر در آنها ثبت نشده‌است؛ از این رو مهمترین اطلاعات موجود درباره شاعر از شواهد درون‌متنی دیوان استخراج شده‌است.

از شواهد درون‌متنی اثر میتوان به آخرین شعر نسخه اصل، اشاره کرد.

عهد	مظفر،	سلطان	قاجار	نه	ساله	مجموع	کردیم	اشعار
شهر	صیامی	شد	ختم و	تاریخ	جوید	نامی	از	شیخ عطار

این رباعی دربردارندهٔ چهار نکته از شرح حال شاعر است:

اول اینکه؛ شاعر معاصر مظفرالدین شاه قاجار بوده‌است. دوم؛ سرودن و نگارش دیوان نه سال طول کشیده‌است. سوم؛ نگارش دیوان در ماه رمضان به پایان رسیده‌است و چهارم؛ لقب مولف که «شیخ عطار» است. معرفی نسخه‌های دیوان شاعر و ویژگیهای سبکی آن، نخستین گام در شناساندن شاعر و جایگاه او در شعر دورهٔ قاجار است.

معرفی نسخه‌های دیوان

نسخهٔ اول در کتابخانهٔ مجلس شورای ملی قرار دارد، با شماره کتابت: ۸۷۴۸۲، حدود ۵۰۹ صفحه و شامل: دیباچه، قصاید، غزلیات و رباعیات است.

نسخهٔ دوم در کتابخانهٔ مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران موجود است با شماره کتابت: ۶۱۸۹، حدود ۲۰۰ صفحه و شامل: قصیده، غزلیات، مثنویها و هزلیات است.

ویژگیهای رسم‌الخط نسخ

نظر به اینکه دو نسخه، رسم‌الخطی یکسان دارد، ویژگیهای ذکر شده در هر دو نسخه یکسان است.

- «تشدید» جز در معدود مواردی ذکر نشده‌است:

جل	تعالی	سخن	نگفته	بماند	ذات	بود	از	ظهور	و	ستر	مبرا
----	-------	-----	-------	-------	-----	-----	----	------	---	-----	------

- کلمهٔ «است» به دو شکل جدا و پیوسته نوشته شده‌است:

دست	ما	کوتاه	شده	دیرپست	از	دامان	او
در	تکبر	نزد	او	سنگینی	کوه	است،	گاه
از	فراقش	دل	دوباره	باز	زاری	سر	گرفت
وز	سبک	روحي	دو	صد	ره	پيشی	از
							صرصر
							گرفت

- «انواع حروف» (ربط، اضافه، منادا، پرسشی و ...) در غالب موارد به کلمات قبل یا بعد از خود متصل شده‌است:

خونیکه	به	یک	عمر	بیندوخت	دل	من
امروز	چه	روز	است؟	که	مريخ	برقص
ایجان	جهان،	روح	روان،	یار	جوان	بخت
زین	خرامیدن	بالا	که	تو	داری	چکنم؟
عالمیرا	آن	نصارا	زاده	کرد	آتش	پرست
تا	تو	رفتی	ای	صنم	روح	از
						بدن
						پرواز
						کرد

بیتو ای دلدار حالی جسم بیجانیم ما

- «الف» به دو شکل مد دار و بدون مد نوشته شده‌است:

نه	کامی	میستر	از	ان	لعل	نوشین
نه	دست	وصالی	بر	آن	زلف	پر
						خم

- ضمیر «آن» غالباً به کلمات بعد از خود متصل شده‌است:

مرا دوش از غم انماه ارمن همی از دیده خون آمد به دامن

- پس از کلمات مختوم به هاء غیر ملفوظ، «ای» حذف شده‌است:

هوای دیدن طاووس را نخواهد کرد کسی که چون تو تذروی به لانه دارد
به قد سرو چمن، کس نگاه می‌نکند هر آن که چون تو نهالی به خانه دارد

- همواره «گ» به شکل ک نوشته شده‌است:

انصاف نیست ما غم هجران او بریم او مایه سرور دل دیکران شود

- در بعضی موارد «افعال» به صورت جدا نوشته شده‌است:

جان به گفت چون کلاف و تو چو عجوزی مشتری یوسفی به بین به چه کالا
از لب لعلش گرفتم بوسه، شوخی ساز کرد همچو جان با من به پیچید و مرا در بر گرفت

- کلمه «دگر» همواره به شکل دیگر ذکر شده‌است:

وزید باد بهاری، رسید سبزه به باغ شکفته شد گل و در نغمه شد دیگر دستان

- کلمه «خاطر» در کل دیوان به شکل «خواطر» نوشته شده‌است:

روزی هوس است سیر باغم با خواطر جمع و خیل احباب

سبک‌شناسی دیوان

به طور کلی میتوان گفت سبک وحدتی است که در آثار کسی وجود دارد. به بیان دیگر ویژگیهای مشترک و متکرر در آثار شخص (شمیسا، ۱۳۷۳، ص ۱۴). فتوحی نیز در این باره میگوید: سبک زمانی هویت پیدا میکند که تکرار و تداوم عناصر صوری و محتوایی در سخن گوینده محسوس باشد (فتوحی، ۱۳۹۱، ص ۴۸).

سطح زبانی

الف: آوایی

موسیقی درونی

آنچه سطح آوایی دیوان عبدالرزاق را متمایز و درخور توجه کرده‌است موسیقی درونی اشعار او است؛ چراکه شاعر توسط عوامل موسیقی درونی به کلام خود در سطوح ادبی و معنایی تشخیص بخشیده‌است. شیخ عطار توانسته‌است با تکرارهای معنادار در شعر به شکلی خلاقانه مضمونسازی کند، همچنین سطح ادبی کلام خود را ارتقا دهد.

ترصیع

هر چه بنده داند، بنده داند.

آنچه در فکر خلق است، خلق است.

تضمین المزدوج

من که و این سخن چه!

او خود داند چون است؛ از وهم ما برون است.

موازنه

شیرین دهنا! نیش تو نوش است به جانم سیمین ذقنا! خال تو خضراست نه هندو است

سجع

سجع متوازی:

عشق جذوة غیب و جذبة لاریب است.

شبانگاهان در بزم خلوت با ساقی وحدت ساغر محبت کشد.

سجع مطرف:

حین شهنار، منصور وار به سرِ دار رود.

مفتاح فتوح و مقالید کنوز اسرار را در آینه جهان نمای جام جم محبت به دست سرمستان خم خانه عشق و صفا داد.

جناس

جناس تام:

از چین، سخنِ چین سر زلف تو گویند گوئی که همی موی تو از مشک تتار است
گذاری ار به لب نوش تو بیامیزم به قدر سینۀ سیم تو سیم می ریزم

جناس ناقص حرکتی:

تُرک من تُرک مرا گفت به تفتین رقیب آتش افروخت، نشانید مرا چون اسپند
اگر که خواهی سرو سهی به گِل چسبد فروز چهره گلبرگ خویش و قد بفراز

جناس ناقص افزایشی:

این فتنه‌ها از آن قد رعنا است در جهان قامت نگو، قیامت الله اکبر است
اگر نیارد با ما سر آن پسر چه کنم؟ نه زور بازو دارم نه طالع فیروز

جناس ناقص اختلافی:

شکر فروش کسادی کشد دگر که ازین پس رواج یابد در شهر، شهد رطب هندو

جناس لفظ:

جعد زلف تو به هم رفت و به دل عقده نشست فتنه قد تو برخاست، به پا خواست بلا

جناس قلب:

سرمایه‌ای که نقد نموده ز قند لعل گر بار بار قند فروشد، فناش نیست

جناس اشتقاق:

زاهد حرام دانست شرب شراب و دیدی زان طعنه حرامش شد پاره ستر ناموس

تکرار

تا چشم کار میکند آن زلف پر گره چین روی چین، شکن به شکن، خم روی خم است
ای صنم از چون توئی، حیف بود، حیف، حیف یار وفادار را دیدن و نشناختن

واج‌آرایی

گو همه خلق ببینند و بدانند که ما از دم عیسوی یار شدستیم احیا
ای عجب سایه سیمرغ سر همچو منی من و وصل تو کجا؟ نیست مگر کار خدا؟

در دیوان عطار ابتدا واج‌آرایی و بعد از آن آرایه تکرار بیشترین بسامد را در کلمات و جملات دارد. در اشعار شاعر صامت‌ها و مصوت‌ها نه تنها در طول یک بیت، بلکه گاه در تمام ابیات یک غزل تکرار شده‌است که باعث خلق مضامین ضمنی در ناخودآگاه خواننده می‌گردد. برای مثال در بسیاری از اشعاری که صامت الف در تمام بیت‌های شعر تکرار شده است؛ مفاهیمی مانند بلندی قامت معشوق و رفعت جایگاه وی به ذهن مخاطب متبادر میشود

ب: واژگانی

زبان و ادبیات عامیانه یکی از شاخص‌های مهم اشعار شیخ عطار است. شاعر با بهره‌گیری از ظرفیتهای زبان عامیانه، اشعار خود را به نوعی متمایز کرده‌است. از دیگر عواملی که سبب شده‌است شعرهای عطار از لحاظ زبانی تشخیص سبکی داشته باشد؛ نوآوریهای زبانی شاعر است.

کاربرد زبان عامیانه

عامیانگی زبان را میتوان از مختصات سبک هندی دانست. شمیسا راجع به این ارتباط مینویسد: رو آوردن طبقات مختلف مردم به شعر - که عمده تحصیلات ادبی نداشتند - باعث شد که زبان کوچه و بازار به شعر راه یابد و از این رو خون تازه‌ای در زبان شعر دمیده شد. از طرفی وسعت دایره واژه‌های شعر گسترش یافت و از سوی دیگر بسیاری از لغات ادبی قدیم از صحنه شعر رخت بست (شمیسا، ۱۳۸۸، ص ۲۸۷). در دیوان عطار عامیانگی زبان به شکلهای: واژه‌های عامیانه، لحن عامیانه، دستور زبان عامیانه و اصطلاحات عامیانه دیده میشود.

واژه‌های عامیانه

عطار کز دو لعل تو یک بوسه شد رضا ده تا که شعرتر کند انشا، نه حرف ول
بر دل خویش گفته ام، وعده مخواه زان صنم این دله دزد را مکن منزل خود ضیافتش

لحن عامیانه

از بس ره مردم زده، آهو شده کم کم
نرخ یک بوسه در این شهر خدایا چند است؟

از بس دل و دین برده، چه پر رو شده کم کم
بهر یک بوسه بدادم سر و جان، دور انداخت

دستور زبان عامیانه

باز می گویم و اقرار همان است که بود
هش باش، باغ و سبزه و آب روان طلب

بارها گفته‌ام آت، عشق رخت دین من است
نرگس به عشوه چشمکت عطار میزند

اصطلاحات عامیانه

خوش آمدی، به فدای قدت، گلی به جمالت
تیغ دوری تو امروز کشید از بینی

به انتظار تو بودم، رسیده بود به لب جان
بردم از عمر شبی لذت وصلت و آن هم

کلمات کهن

که لب تشنه جان دادم اندر لب یم
خال تو همی سوزد بر جای قرنفل
دهید مژده ابر طوطیان هندستان
صیاد قوی پنجه‌ای از صید کند رم
تا به کی اندر محیط خون کنی اشناوری
ندانما چه کشاکش به تار مو داری
شب زلفش به ما آرد شبیخن
چو غلطان گوی اندر خمّ محجن
گرُسینه طفلی تو گو پستانی از مادر گرفت
زلف او، پیچیده همچون افعی خاکستری
ز چامهٔ نغز، عالم را به هم زن
چون زنگی رو سیه حملت شده است

عطش بر جگر آتشم زد، دریغا
روی تو بود مجمر و زلفین تو چون دود
الا ز کشور دل کاروان قند آمد
جز او ز من ایدون به جهان کس نشنیده
بانگ بر من زد که ای در قلمز عشقم غریق
اسیر حلقهٔ ماتم نموده‌ای دل من
تو گفستی روزِ رویش داده دستور
به خمّ چین زلفش، قرص رویش
لب روی لعلش نهادم خوش مکیدم تا به صبح
چون سیه ماری به شاخ چندن گردنش بود
بنوش این جام، برکش کلک و قرطاس
زنهار از آن طرهٔ پر پیچ و گره

افعال کهن

از در درآید یار من ای عشق خرم مرحبا
و اندرین دام، دل خسته گرفتار بماند
که آهو را ز پی جز شیر پر هیبت نمی باشد
با بخت جوان، چهرهٔ گلنار درآمد

انجام گیرد کار من منزل رسیده بار من
پای ما بر سر کوی تو ز رفتار بماند
یقین بر مرگ خود کردم چو آن آهو شد از
پیشم

آن سرو سهی کیست به رفتار درآمد؟	به راه مرغ دل پاشیده ارزن
شمیده زلف آن ماه شبه بوی	کرده به جای سخن، دهان پر حلوا
هشته به جای دو تنگ لعل، نمکدان	

شیوه‌های نوسازی کلام

یکی از مهمترین ویژگیهای تمایزبخش در اشعار عطار را میتوان نوسازی کلام در حیطة معنا و لفظ دانست. شاعر با استفاده از آرایه‌های ادبی، نو جویی در الفاظ و معانی، همچنین خلق تعابیر بدیع توانسته‌است اشعار خود را از آثار ادبی پیشین متمایز سازد.

بهره‌گیری از آرایه تشبیه تفضیلی

پیش محراب کج ابروی جانانه من	رونق راستی کعبه معظم بشکست
سحرگهان که نگارم به رخ گلاب زند	ز شرم عارض او، خوی بر آفتاب زند

بهره‌گیری از آرایه حسن تعلیل

طاقی صنما در همه خوبان تو به این چشم	هرچند نزار است، چرا؟ بس که دریده!
بی‌نوا چشم تو بیمار و نزار است مدام	بس که در گوشه محراب عبادت کرده

افزودن معانی تازه بر مفاهیم مستعمل

خطر بحر، وقت طوفان است	خطر عشق، گاه ناله سرد!
هر دم چو کبوتر معلق‌زن جلد	دارد خم تار زلف، پرواز به رخ

استفاده از الفاظ و عبارات جدید

افتاد دگر در ره دل عقده مشکل	از بس که بدان زلف دوتا، تا زده‌ای باز
خطّ تو دیگر دمید، روی مگردان	حسن تو پایان رسیده و زده وارو

کنايات ابداعی

عشق برآورد هزار آستین	پنجه فولاد دلان را شکست
کسی که شهره عالم به عشقبازی شد	طمع مدار که او باز آورد دستار

تشبیهات ابداعی

میان ما و تو جانا فراق گشته حجاب	تو چون حباب بگیری به روی آب انداز
قامتش بتخانه چین را شهود	عارض او خرمن آتش‌فشان

توصیفات ابداعی

از بس نشستۀ تیر ملامت به سینه‌ام ترسم دلم ز کوی تو طیار بگذرد
وین آه عاشقانه، آهسته مهلک است آهنگ زیر را چو کنی بم، نمی‌کشد

نو جویی در لفظ

من دوستی خلق بسی امتحان زدم همچون فراق، هیچ کسی پایدار نیست
طاق سپهرِ سقف‌نما خود ندیده‌است جز بزم ما و یار، دگر مأمن فراغ

از شیوه‌هایی که عطار در راستای نوسازی مفاهیم بیشترین بهره را از آن برده‌است، استفاده از آرایهٔ تشبیه تفضیلی است؛ لذا در میان انواع تشبیه‌های موجود در دیوان، تشبیه تفضیل از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. همچنین نوآوری‌های زبانی در دیوان عطار باعث شده‌است؛ اشعار شاعر در ساحت‌های بدیعی و بیانی، تقلیدی صرف از آثار ادبی پیشین نباشد بلکه نوعی تشخیص زبانی را در کلام شاعر به وجود بیاورد. گفتنی است استفاده از همی به جای می و اندر به جای در، در قسمت واژگانی بیشترین بسامد را در دیوان دارد.

ج: نحوی

انواع یاء

یاء استمرار:

مظهر ذات است و مظهر است صفت را زان که صفت باشدی ز ذات هویدا

یاء شرط:

به راستی چو قد یار ماست سرو سہی اگر که بودی او را چو یار ما رفتار

یاء تردید:

تو گو نوری که از طور آمدستی چو موسی با ید و بیضا و گرزن

یاء تمنی و ترجی:

می شدی گر نفسی تنگ بگیرم به برت مهر سر بشکنم از حقۀ یاقوت ترت

حرف اضافهٔ مضاعف

طلبلہ‌ای از مشک تر نهاده به سر بر جامہ‌ای از برگ گل کشیده به بالا

مقدم داشتن می بر نون نفی

اگر می نبارید ابر عنایت قناعت کند سبزه با لطف شب‌نم

ماضی نقلی (افعال نیشابوری)

خوش به خود افتاده‌ای، دل می‌بری از هر طرف
جان من آموختستی از که این غارتگری؟

فاعل جمع و فعل مفرد

چنین بُرش که بدیدی تو، کار تیغ نبود
هنر به خرج، دلیران، ز دست و بازو داد

یکی به علاوه اسم به علاوه یاء نکره

مرد عشقت نبود همچو منی شوریده
خواهد این کار، خردمند یکی انسانی

در باب چگونگی استفاده شاعر از نحو کلام میتوان گفت؛ بسامد می‌استمرار در دیوان از موارد دیگر بسیار بالاتر است.

سطح ادبی

یکی از شاخصترین ویژگیهای اشعار شیخ عطار تصویرپردازی است؛ چنانکه ابیات و اشعار عطار غالباً مخاطب خویش را به تجسم و ترسیم مضامین وامیدارد. شاعر برای خلق این تصاویر بیشترین بهره را از سطح ادبی زبان به ویژه در آرایه‌های تشبیه و استعاره گرفته‌است.

تشبیه

تشبیه کامل:

ای نخل برومند ز هجران تو آخر
خم شد به جوانی چو کمانی کمر ما

تشبیه بلیغ:

خال هندوی تو بر چشمه حیوان لب
در طرف رخت زنگی زلفت به سماع است
عسل نحل چشیده، چو مگس پاگیر است
چون دود که رقصد به سر مجمر آذر

تشبیه مرکب:

دانه خال است آن بر این رخ گلگون
اشراق نور معنی اندر غمام الفاظ
یا که به مجمر فتاده عنبر سارا
چون شمع نور بخش است اندر میان فانوس

تشبیه تفضیل:

سرو سهی گر ببیند آن قد و بالا
ارغوان از رخ او منفعل و لاله خجل
پیش قد او ز شرم اوفتد از پا
سرو پا در گل و نرگس به لب جوی به خواب

تمثیل

وامق ز خاک درگه عذرا کجا رود؟
از آب کی جدا شود ار بشکند حباب؟

استعاره

خوش می‌رود این فتنه که بر اسب سوار است صد قافله دل در عقبش زار و فکار است

تشخیص

حال دل بیمار من از نرگس خود پرس این تاب و تب جانم از آن چشم خمار است
آشفته همچو طره جانانه روز و شب دل را به پیچ هر سر مویت، خیالها است

کنایه

حسن رخت عاقبت نمک گیرم کرد وز دیدن روی دیگران سیرم کرد
تشنه جان دادم و سیراب نگشتم ز لب جگرم در طلب چشمه حیوان تو سوخت

حسن تعلیل

روز روشن شده تاریک، یقین می‌دانم یار افشاند به رخ طره مشک‌افشان را
عسل ز گفته تو می‌رود همی عطار که بر لب سخنان آن دهان شیرین است

پارادوکس

ما نمی‌گوئیم رند و عارف و دانشوریم گر چه مجنونیم از عشق تو لقمانیم ما
قبله و مسجد و محراب دعا ابروی اوست کیست کاندلر صف مستان به امامت برود؟

مراعات نظیر

بیستون گویدت عطار ز عشق شیرین دست بردار، چو فرهاد خوری تیشه ما
بساز مطرب با شور، رخنه‌ای به عراق نواز رودی ز آهنگ دشتی و شهنواز

تضاد

وصل تو نور است و هجر، ظلمت طاغوت آن دم لاهوت دارد، این کف ناسوت
خام عشقیم دلا! تا به کجا پخته شویم طایر آسا به یم خون نطپیدیم هنوز

ایهام

گشته دلم مریض نگاری طبیب‌زاد ترسم که حکم داروی عطار بشکند

ایهام تناسب

در حشر یقین دارم گیرند سر راهت	سنجند حساب خلق از ابروی میزانت
حرفه عشق نه خود کار همه استاد است	بلکه این حرفه شیرین روش فرهاد است

اغراق

سد اسکندر اگر حائل ما شد عطار	میتوان ز آب غم دیده پر نم بشکست
اندر صف حشر صد هزاران مقتول	چسبند ز هر گوشه به دامن تو باز

لف و نشر

اگر به تیغ کُشی یا به بوسه زنده کنی	نه با تو دست ستیز و نه از تو پای گریز
خرم آن روز مرا تاج سر و کحل بصر	حاصل از مقدم و از خاک سر کوی تو بود

تلمیح

یوسف من که فرو رفت به کنعان در چاه	چه شد از مصر سرآورد ز بازار برون؟
تا به کی ای ماه کنعان خاطر یعقوب را	خواهی از هجران خود زار و پریشان داشتن؟
یوسف آسا ای مه ارمن به مصر حسن و ناز	بین چه شهرت ها که در کار زلیخا داده ای!
خضری که از آن آب بقا خورد، کجا رفت؟	وامانده ظلمات غم، اسکندر ما کو؟
دل چو از پرتو رخسار نکویت دم زد	جام و آئینه اسکندری و جم بشکست
طره اش همچو حصاری شده بر گرد رخس	باشد آن روز که این سد سکندر شکند
زبور خطّ تو، داوود عشق خوانده تمام	دل چو آهن ما موم کن، کتابم ده
معجزه و حکم نوش لعل تو با زلف	کرده چو داود، قتل لشکر جالوت

در دیوان عطار آرایه‌های غالب در ساحت ادبی تشبیه، استعاره و تلمیح است. آرایه تلمیح نیز در اکثر موارد در خدمت تشبیه، استعاره و توصیف‌های شاعر قرار گرفته‌است. شاعر در اشعار مختلف، جنبه‌های متفاوتی از یک مصداق تلمیحی را دست‌مایه سخن خود می‌سازد؛ به این ترتیب هر بار سخن خود را با مضمونی تازه ایفا میکند. همچنین استفاده از بخشهای مختلف زندگی هر شخصیت باعث میشود قسمتهای مختلف در ذهن خواننده کنار یکدیگر قرار گیرد و انسجامی روایی در طول دیوان ایجاد گردد.

شیخ عطار و دیگر شاعران

عطار در اشعار خود از شاعرانی مانند حافظ، سعدی، مولانا، خیام و ... تأثیرپذیرفته است؛ اما بی‌شک بیشترین تأثیرپذیری او از حافظ و سعدی است.

تأثیرپذیری از حافظ

مهمترین تأثیرات شیخ عطار از حافظ را میتوان در استقبال از اشعار و ابیات وی، بهره‌گیری از عنصر طنز، همچنین بعضی مؤلفه‌های سبک هندی مانند: تصاویر پارادوکسیکال و تک بیت‌های مستقل دانست. استفاده از وابسته‌های عددی خاص و کلمات مدرن نیز از دیگر نشانه‌های سبک هندی در شعر عطار است.

استقبال

در دیوان عطار ابیات بسیاری وجود دارد که از حیث محتوا یا الفاظ و یا هر دو، یادآور اشعار حافظ است. گاهی هم به طور کامل غزلی را در استقبال از غزلهای شیراز سروده‌است:

حافظ: شکر فروش که عمرش دراز باد چرا تفقدی نکند طوطی شکرخا را
عطار: خواهی ای گل رعنا گر صلاح فردا را کن تفقدی امروز عندلیب شیدا را

حافظ: بوی شیر از لب همچون شکرش می‌آید گرچه خون می‌چکد از شیوه چشم سیه‌ش
عطار: طفل خورده‌است و رود شیر زلعلش، لیکن پنجه عشق و غمش زهره‌در شیر نر است

بهره‌گیری از عنصر طنز

از دیگر نکاتی که در ابیات دیوان عطار به چشم می‌خورد، هنر طنزپردازی است. طنزی که به گونه‌های مختلف در اشعار حافظ نیز نمایان است. شیخ عطار در مواقع مختلفی مانند: ابراز غم، کنایه به رقیب و به سخره کشیدن زاهد از طنزی ظریف بهره برده است:

شیرینی وصل، نوش جانش بادا تا باد، بلند باد اقبال رقیب!
امروز روزگار ارادت به کام ما است یارم غم و انیس غم و همدم غم است
هر لحظه با اشارت ابرو به چشمکی چون زاهدم به گوشه محراب میکشد

به کارگیری مؤلفه‌های سبک هندی

تصویرهای پارادوکسیکال

این نوع تصاویر در سراسر دیوان وجود دارد و با ظرافت خاص خود باعث ایجاد التذاذ ادبی در مخاطب می‌شود. متناقض‌نما در دیوان عطار معمولاً با آرایه مراعات‌نظیر همراه است و به همین سبب باعث ایجاد طیفی از معانی در ذهن مخاطب می‌گردد. بسیاری از این پارادوکس‌ها مضامینی شبیه به ابیات حافظ را بازگو می‌کند:

چهره زردم نشان زهد ریائی است با می سرخش بیا دهیم طهارت
به دور باده توانی طهارت دل کرد از آنکه زنگ غم او میبرد نه آب قراح
زاهد به تماشای تو ای لعبت ترسا با جام می و با بت و زنار درآمد

تک‌بیت‌های مستقل

در دیوان شیخ عطار بیت‌هایی وجود دارد که می‌تواند مستقل از دیگر ابیات شعر، معنای کامل و درخشانی داشته‌باشد. چنانکه «قالب شعر در سبک هندی تک‌بیت است نه غزل» (شمیسا، ۱۳۸۸، ص ۲۷۶). این مورد نیز در دیوان حافظ مصادیق فراوان دارد. البته در شعرهای عطار، این ابیات به شیوه سبک هندی لزوماً تمثیلی و غامض نیست؛ اما استقلال معنایی دارد و می‌تواند به عنوان یک مثل یا بیتی درخشان در ذهن خواننده باقی‌بماند:

گفت که خواهد به بلندی رسید هرکه بدیده‌است همی روز پست
سنگی از غیب رها شد، همه جا آمد و خورد بخت بد را بنگر، یکسره بر شیشه ما

وابسته‌های عددی خاص

وابسته‌های عددی خاص را میتوان نوعی هنجارگریزی نحوی دانست. در هنجارگریزی نحوی نظم منطقی کلمات به هم میریزد و شاعر با استفاده از قوه خیال خود واحدهایی را خلق میکند که در زبان معیار وجود خارجی ندارد. میتوان گفت: «در شعر این هنجار درهم شکسته میشود. در شعر سبک هندی تنوع بیش از حد از این نوع استعمال است، آن هم در مواردی که گاه یکی از دو عامل بعد از عدد امری انتزاعی و گاه هر دو از اموری هستند که انتزاعی‌اند و غیر قابل اندازه‌گیری» (خوش‌وطن، ۱۳۹۹).

ابیات زیر نمونه‌هایی از این نوع هنجارگریزی است:

رسید از ره، یک عصر فتنه آدم	رسید از ره، یک دهر آفت دوران
آن فتنه شوخ همچو یک فارس نمک	بنشسته به زخم دل افکار من است
چون برد عطار عشق، دل به سلامت که یار	ناز بود یک سپهر، فتنه بود یک جهان

استفاده از کلمات مدرن

«بر اثر گسترش روابط ایران و فرنگ در این دوره اصطلاحاتی چون فرنگ‌عشوه و فرنگ‌جلوه و فرنگی‌طلعت در شعر سبک هندی به چشم می‌خورد (شمیسا، ۱۳۸۸، ص ۲۸۸). در دیوان عطار نیز برخی تعبیر مشابه وجود دارد:

همچون تو فرنگی‌بچه حور نژاد	شاه عجم و ماه عرب میخیزد
ای فرنگی‌وش حوری روش ماه منش	به قمار تو دلم را سر خود باختن است

بررسی اشعار نشان میدهد؛ مؤلفه‌های سبک هندی در دیوان عطار نه به صورت تقلیدی بلکه در امتداد سنت غزل عراقی و با حفظ هویت زبانی شاعر نمود یافته‌است.

تأثیرپذیری از سعدی

از دیگر شاعرانی که شیخ عطار در اشعار خویش از او تأثیر پذیرفته؛ سعدی است. این تأثیرپذیری در مواردی مانند: استقبال از غزلیات و ابیات شیخ اجل، بهره‌گیری از فن خطابه و سرایش اشعار وقوعی وجود دارد.

استقبال

سعدی: ما از تو به غیر از تو نداریم تمنا	حلوا به کسی ده که محبت نچشیده‌است
عطار: مرا توقعی از تو به غیر تو نبود	ز کیمیا به جز از کیمیا نخواهم خواست

-

سعدی: در رفتن جان از بدن گویند هر نوعی سخن	من خود به چشم خویشتن دیدم که جانم
عطار: آنچه گفتند ز باز آمدن و رفتن روح	میروود
	شد مجستم برم از رفتن و باز آمدنت

بهره‌گیری از فن خطابه

خطابه در اشعار عطار بسامد بالایی دارد و میتوان آن را وام‌گرفته از سعدی دانست؛ چراکه خطاب، عنصری لازم در کلام عاشقانه بلیغ است. این عنصر در غزلیات سعدی که خمیرمایه آن را معاشقه و مغالزه تشکیل میدهد؛ کاربردی وسیع یافته است (شمشیرگرها، ۱۳۹۱). در دیوان عطار غالب اشعار دارای ابیات خطابی هستند. عطار با استفاده از مخاطب قرار دادن معشوق، همواره شعر خود را دارای حالتی ملموس، زنده و روایی میکند. شاعر در بسیاری از خطابهای خویش به توصیفات ظاهری و باطنی معشوق می‌پردازد و با هنرمندی از این توصیفات در جهت خلق آرایه‌های مختلف با دیگر اجزای بیت بهره برده‌است:

کمان	ابرو	نگارا!	مژگان	دل	را	میکند	هر	دم	نشانه
حل مشکل کن،	بیا از انتظارم	وارهان	روز رویا!	از درآ،	از شام	تارم	وارهان		
بگذار تا بسوزم و	گردم به دور تو	ای شمع	چهره!	ظلم	به پروانه	میکنی			

سرایش به سبک وقوع

این خصیصه در اشعار سعدی نیز نمود دارد، چنانکه حمیدیان در این‌باره می‌گوید: «یکی از ویژگیهای موثر در تجسم و ترسیم در غزل سعدی نوعی وقوع‌گویی است که پس از سده نهم مکتبی را در غزل به نام وقوع پدید آورد. این نوع شعر به دلیل سادگی بیان و برخورداری از جنبه تجسمی نیرومند میتواند به تقویت حس حضور در شعر کمک کند. (حمیدیان، ۱۳۸۴، ص ۳۲۳). در اشعار عطار، به‌خصوص غزلیات، مختصات سبک وقوع بسامد قابل‌توجهی دارد. ویژگیهای بارز این نوع ابیات را میتوان: نحو ساده جمله، قلت آرایه‌ها و توصیفات عینی میان عاشق و معشوق دانست:

با رقیبان بنشینی و	مرا هجو برانی	چه جواب آوری از پرسش این	کرده خدا را؟
از آن ابرو اشارتها که	او میکرد مرموزی	همی دل‌بردنش مقصود بود از	ما و جانسوزی
دلا دانم مرا آنجا تو	رسوا می کنی آخر	اگر زین سان دو ره دیگر	به رویش دیده

بردوزی

هرچند عبدالرزاق در جنبه‌های گوناگون ادبی و سبکی از شاعران پیش از خود تاثیرپذیرفته‌است؛ اما وجوه ادبی خاص وی، سبک شعری او را متمایز می‌سازد؛ تصویرپردازیهای بدیع، زبان ساده و خیال انگیز، حرکت میان سنت و نوآوری و توجه به ادبیات عامه از مهمترین وجوه ادبی خاص در اشعار عطار است.

سطح فکری

مضامین مذهبی

عبدالرزاق از شاعران شیعه مذهب است و بارها در سرتاسر دیوان خویش، ارادت خود را به چهارده معصوم علیه‌السلام ابراز کرده است. همچنین به صورت مجزا اشعاری در مدح حضرت محمد صلوات‌الله، امام حسین علیه‌السلام و حضرت فاطمه سلام‌الله علیها سروده‌است. بیشترین اشعار مذهبی شاعر تقدیم به حضرت علی علیه‌السلام سروده شده‌است. چند بیت از قصیده سوم دیوان که در مدح ایشان است:

رفته ام از دست ای دست خدا،	دستم بگیر	الامان ای حبل محکم،	الغیاث ای بوترباب
ای تو دستت، دست حق،	دست دگر در زیر او	وی تو بر هر جزو وکل	از نزد حق نایب مناب
تا تو از بهر هدایت	پا نهادی بر زمین	عرش حق گوید همی	«یا لیتنی کنت تراب»

امر و نهی و رزق و بسط و قبض و فرمان آن تو است	هم تو سنجی، هم تو بخشی، هم تو فرمائی
ذات حق باشد قدیم و غیر او حادث ولی	عذاب
	بر قدم دارد همی ذات شریف اقترب

مضامین عرفانی

دیوان عبدالرزاق از کلمات و اصطلاحات عرفانی خالی نیست؛ اما به کار بردن این قبیل واژه‌ها و اصطلاحات در دیوان عطار تقلیدی از آثار ادبی پیشین و علاقه شخصی او است. چراکه هیچگونه شواهد بیرونی یا درونی متنی مبتنی بر عارف بودن شیخ عطار وجود ندارد.

در ره صبر و رضا می‌بود خاکستر نشین	با همه فقر و فنا از تاج شاهی عار داشت
اهل دل گر بکشایند لب خود به دعا	آسمان را به زمین از نفسی می دوزند
دی به میخانه وحدت گذر ما افتاد	شورت از پای خم می به سر ما افتاد

مضامین عاشقانه

بی شک بنمایه اصلی اشعار دیوان عطار عشق است. هرچند در اشعار مذهبی شاعر، نوع عشق بسیار متعالی است؛ اما در شعرهای عاشقانه، این عشق به هیچ عنوان دست‌نیافتنی و دور از ذهن نیست. به همین سبب در غزل‌های عطار، توصیف وصل و هجران و آرزوی وصال به موازات هم پیش می‌رود. همچنین در اشعار وقوعی شاعر مضامین عاشقانه، ساده و ملموس‌اند.

عجب این نیست که حسن تو شد انگشت نمای	به سماوات ز عشقت خبر ما افتاد
عاشقان منتظر وصل نشستند همی	گوش دل را به صدای جرسی می دوزند
ای دل سخن زیاده مگو، راه خود بگیر	کافسرده عاشقی چو تو قحط از براش نیست
حکمران ملک جان، عشق است و ما خود	و اعتبار عشق در صدق است، آری صادقیم
عاشقیم	جان به ره عاشقی در خطر انداختن
مسئله کردم ز پیر، شرط وفا چیست؟ گفت	

مضامین اجتماعی

خرده‌گیری از زاهد و واعظ و مفتی و محتسب از جمله مضامینی است که شاعر در دیوان خویش به شکل‌های گوناگون تصویر کشیده‌است.

جاهل مسئله عشق بود مفتی ما	رفته در فتوی احکام محبت به خطا
روزی که محتسب سر خم بشکند، تو نیز	باید سرش بکوبی و در شور و شر شوی
طفالن برند دین و دل زاهدان به مفت	گردد اگر که مرکب‌شان سست از ایاغ
از این ملامت زاهد ز کار عشق مترس	عقیم طینت زاهد کجا و فکر صلاح
زاهد مترش این همه بت، دام مگستر	رو رو، که بت ما سر بیگانه ندارد

مضامین قلندرانه

من که زَناری عشقم چه غم از مفتی شهر؟
عطار در طریقت عشاق پاکباز
عاقلان گفتند از او پرهیز کن نشنید دل
جان و دل و دین گو برود، یار سلامت
خرد شده است عنان گیر من؛ مپو ره عشق
خرقه عارف و عامی ز گرو دوش برست

باده ده، باده که دارم سر شیدائی را
بدنامی و ملامت از نام خوشتر است
در تغافل گوئیا سرخیل مستانیم ما
در عشق تو ام با دل افسرده چه کار است
بین چه بی سر و پا این میانه گشته ادیب
در بر پیر مغان، خرقة عطار بماند

باورهای عامیانه

حلقه زد بر گرد رویش تار زلف چنبرین
مردم همگی شیفته موی تواند
با خضر هم عنان همه دم چون سکندرم
آنچه به قلب داشتیم، آینه جمال تو
لانه مرغ دل ما است به قاف زلفت
گفتم به دل مرو عقب عشق جنگجوی
طالع من ز نحوست به درآمد امروز
فال بد هرچند نتوانم زدن
غرور حسن به سر دارد و نمیداند
در حیرتم از ستاره بالای سرش

گرد گنج باد آور را یکی اژدر گرفت
داری تو مگر مهره مار ای مه نو؟
شاید رسم به چشمه آب بقای تو
باز نموده، تو مگر آینه سکندری؟
گر چه دامن نشود صعوه به سیمرغ همال
مریخ طالع است و به خون است، فال دل
تا شده هم نفس بخت بلند هندو
کی شود من میزبان و تو قُناق؟
که عاشقان چو سمندر به نار بنشستند
بپسندد اگر خوی پلنگ هندو

نتیجه‌گیری

دیوان اشعار «عبدالرزاق ابن علی اصغر» ملقب به «عطار» و «شیخ عطار» از جمله نسخ خطی ارزشمندی است که تا کنون هیچگونه تصحیح و پژوهشی روی آن صورت نگرفته است. پژوهش حاضر با معرفی نسخه‌های موجود و بررسی ویژگیهای سبکی دیوان نشان‌میدهد سبک غالب اشعار شاعر عراقی است؛ هرچند مؤلفه‌هایی از سبک خراسانی، سبک هندی و مکتب وقوع نیز در کل دیوان مشاهده میشود.

از نظر زبانی؛ تکرار و واج‌آرایی بیشترین بسامد را در دیوان دارد. وجوه کهن زبانی مانند کلمات و افعال کهن با بسامد اندک در کل دیوان دیده میشود. همچنین استفاده از کلمات، عبارات و لحن عامیانه از ویژگیهای دیوان عطار است. شاعر در قسمت نحو زبان بیشترین استفاده را از یاء استمرار داشته است.

از نظر بلاغی؛ تشبیه و تلمیح بیشترین بسامد را در دیوان شیخ عطار دارد. عبدالرزاق شاعری توانا در تصویرپردازی محسوب میشود و تشبیهات در دیوان او غالباً عینی است. همچنین نوآوریهای مانند: تشبیهات، کنایات و توصیفات ابداعی از ویژگیهای مهم زبانی و ادبی دیوان به‌شمار می‌آید.

از نظر فکری؛ بن‌مایه اصلی اشعار دیوان عبدالرزاق را مضامین عاشقانه تشکیل داده است. این اشعار در اغلب اوقات به تمنیات عاشق و روابط میان عاشق و معشوق پرداخته است. هرچند عطار شاعری شیعه مذهب است و در سرتاسر دیوان ارادت خود را به پیامبر اسلام و امامان شیعه به‌خصوص حضرت علی علیه‌السلام ابراز کرده است.

شیخ عطار در بهره‌گیری از مؤلفه‌های سبک هندی از حافظ و در سرودن اشعار وقوعی از سعدی تأثیرپذیرفته است.

برآیند این بررسی نشان‌میدهد که عبدالرزاق بن علی اصغر با وجود ناشناخته‌ماندن در منابع تاریخ ادبی، شاعری توانا و برخوردار از سبک و زبان ویژه خود بوده‌است و دیوان او میتواند در شناخت جریان شعر فارسی در دوران قاجار جایگاهی شایسته داشته‌باشد.

مشارکت نویسندگان

این مقاله حاصل مشارکت علمی هر دو نویسنده است. نویسنده اول؛ ایده‌پردازی، گردآوری داده‌ها، تحلیل یافته‌ها و نگارش مقاله را بر عهده داشته و نویسنده دوم در هدایت علمی پژوهش، بازبینی، اصلاح و تأیید نهایی مقاله مشارکت داشته‌است.

تشکر و قدردانی

این مقاله مستخرج از رساله دکتری نویسنده اول است. بدین‌وسیله از جناب آقای دکتر اسماعیل تاج‌بخش، استاد راهنمای رساله، به پاس راهنمایی‌های علمی ارزشمند ایشان در انجام این پژوهش، صمیمانه قدردانی میشود.

تعارض منافع

نویسندگان این مقاله گواهی مینمایند که این اثر تاکنون در هیچ نشریه داخلی یا خارجی منتشر نشده و حاصل فعالیتهای پژوهشی هر دو نویسنده است و نویسندگان از انتشار آن آگاهی داشته و با انتشار آن موافق‌اند. این پژوهش مطابق کلیه اصول و مقررات اخلاق پژوهش انجام شده و هیچگونه تخلف یا تقلب پژوهشی در آن صورت نگرفته‌است. همچنین نویسنده مسئول، مسئولیت اعلام هرگونه تعارض احتمالی منافع و منابع تأمین مالی پژوهش را بر عهده دارد و صحت مطالب مذکور را تأیید مینماید.

REFERENCES

- Ghaderi, A., et al. (2025). "Introducing Two Manuscripts of *Fatḥ-nāmeḥ-ye Ḥessām al-Molk* by Mīrzā Aḥmad Elḥāmī Kermānshāhī (1264–1325 A.H.)." *Stylistics of Persian Poetry and Prose (Bahār-e Adab)*, Vol. 18, No. 5, pp. 287–312.
- Fotouhi, M. (2012). *Sabk-shenāsī: Naẓariyyahā, Ravīkardhā va Rūshhā*. Tehran: Sokhan, p. 48.
- Ḥājīqāsemlū, F., et al. (2021). "A Stylistic Study of the Manuscript *Tahrīr-e Tarjomeh-ye Dorr al-Naṣr fī al-Naṣīḥa wa al-Taḥdhīr*." *Stylistics of Persian Poetry and Prose (Bahār-e Adab)*, Vol. 13, No. 9, Serial No. 55, pp. 144–166.
- Ḥamīdīyān, S. (2006). *Sa'dī dar Ghazal*. Tehran: Qaṭreh, p. 323.
- Khoshvatan, Z., et al. (2021). "A Study of Foregrounding in the *Rubā'īyāt* of Bīdel Dehlavī." *Journal of Persian Language and Literature*, Vol. 12, No. 43, pp. 21–45.
- Shamshīrgarhā, M. (2012). "The Vocative Element in Sa'dī's Ghazals." *Journal of Persian Language and Literature*, Vol. 20, No. 72, pp. 25–51.
- Shamīsā, S. (1994). *Kollīyāt-e Sabk-shenāsī*. 2nd ed. Tehran: Rāmīn, pp. 5–7.
- Shamīsā, S. (2009). *Sabk-shenāsī-ye She'r*. 2nd ed. Tehran: Mitrā, pp. 276, 288.

Zolfaghārī, H. (2015). *Zabān va Adabīyāt-e Āmmeh-ye Īrān*. Tehran: SAMT, pp. 10-11.

فهرست منابع فارسی

حاجی قاسملو، فاطمه. و دیگران. (۱۳۹۹). بررسی سبک‌شناسی نسخه خطی «تحریر ترجمه درالنثر فی النصیحه و التحذیر». نشریه علمی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)، سال سیزدهم، شماره نهم، شماره پی در پی ۵۵، صص ۱۶۶-۱۴۴.

حمیدیان، سعید. (۱۳۸۴). سعدی در غزل. تهران: قطره، ص ۳۲۳.
خوش‌وطن، زینب. و دیگران. (۱۳۹۹). بررسی فراهنجارها در رباعیات بیدل دهلوی. فصلنامه علمی پژوهشی زبان و ادب فارسی-دانشگاه آزاد اسلامی سنندج، سال دوازدهم، شماره ۴۳، صص ۴۵-۲۱.
ذوالفقاری، حسن. (۱۳۹۴). زبان و ادبیات عامه ایران. تهران: سمت، صص ۱۱-۱۰.
شمشیرگرها، محبوبه. (۱۳۹۱). عنصر خطاب در غزل سعدی. فصلنامه زبان و ادبیات فارسی، سال بیستم، شماره ۷۲، صص ۵۱-۲۵.

شمیسا، سیروس. (۱۳۸۸). سبک‌شناسی شعر. ویرایش دوم. تهران: میترا، صص ۲۸۸ و ۲۷۶.
شمیسا، سیروس. (۱۳۷۳). کلیات سبک‌شناسی. ویرایش دوم. تهران: رامین، صص ۷-۵.
فتوحی، محمود. (۱۳۹۱). سبک‌شناسی نظریه‌ها، رویکردها و روشها. تهران: سخن، ص ۴۸.
قادری، احمد. و دیگران. (۱۴۰۴). معرفی دو نسخه خطی منظومه فتحنامه حسام‌الملک سروده میرزا احمد الهامی کرمانشاهی (۱۲۶۴-۱۳۲۵ ه.ق). نشریه علمی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)، سال هجدهم، شماره پنجم، شماره پی در پی ۱۱۱، صص ۲۸۷-۳۱۲.

معرفی نویسندگان

شیمای پرهیزکار: دانشجوی دکتری گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.
(Email: sh.parhizkar.98@gmail.com)
(ORCID: 0009-0002-0630-3320)
اسماعیل تاج‌بخش: استاد گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.
(Email: e.tajbakhsh@atu.ac.ir) (مسئول: نویسنده)
(ORCID: 0009-0006-7829-8435)

COPYRIGHTS

©2021 The author(s). This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY 4.0), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, as long as the original authors and source are cited.

Introducing the authors

Shima Parhizkar: Ph.D. Candidate, Department of Persian Language and Literature, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran.
(Email: sh.parhizkar.98@gmail.com)
(ORCID: 0009-0002-0630-3320)
Esmail Tajbakhsh: Associate Professor, Department of Persian Language and Literature, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran.
(Email: e.tajbakhsh@atu.ac.ir) : Responsible author
(ORCID: 0009-0006-7829-8435)